

چشم‌انداز نقش ایرانیان در آینده فرهنگ و تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات اسلامی

علی یزدانی احمدآبادی*

چکیده

بحث از تمدن نوین اسلامی بارویکرد دینی، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین چالش‌های کنونی و آینده تمدن در عرصه جهانی است. در تاریخ اسلام، بخش مهمی از این امت تمدن‌ساز مسلمان را ایرانیان تشکیل داده‌اند که از گذشته تاکنون در عرصه‌های مختلف فرهنگی و تمدنی نقش مهم و پررنگی داشته‌اند. در این پژوهش با روش استقرایی و به شیوه تفسیری - تحلیلی، تلاش شده به این مسئله پاسخ داده شود که ایرانیان چه نقش و جایگاهی در ایجاد سرمایه تمدن نوین اسلامی داشته و خواهند داشت؟ با تحقق انقلاب اسلامی، خون تازه‌ای در پیکره امت اسلامی به جریان افتاد و حیات جدیدی به جهان اسلام بخشیده شد. از این رو در گذار بازتولید تمدن نوین اسلامی، ایرانیان فعال‌ترین سرمایه اجتماعی این تمدن خواهند بود و طبق روایات تفسیری آنها چنین نقشی را در حوزه تمدن اسلامی ایفا خواهند کرد. همچنین به دلیل سنت استبدال که در طول تاریخ امت‌هایی برگزیده شده و قانون استبدال بر آنها اعمال شده است، این ایرانیان خواهند بود که در ظهور تمدن نوین اسلامی نقش پررنگی ایفاء خواهند کرد.

واژگان کلیدی

فرهنگ اسلامی، تمدن نوین اسلامی، نقش ایرانیان، آیات و روایات، سنت استبدال.

طرح مسئله

در سیر تاریخی، برای ماهیت تمدن‌ها دو صورت تصور شده است. تمدن‌های دینی که ساخت و هدایت‌گری تمدن در آنها بر پایه دین و پذیرش مرجعیت دین تعریف شده و تمدن‌های غیر دینی که پایه و اساس ابتناء تمدن در آنها براساس نیاز و یافته‌های علمی انسان‌ها بوده است. تأمل نظری در باب مفهوم و چیستی تمدن در هریک از دو مورد، مقدم بر توجه به ظواهر تمدن‌ها و مظاهر آنها است. تمدن اسلامی نیز از این اصل مستثنی نیست و باید به‌جای توجه صرف به مظاهر مادی تمدن اسلامی به آموزه‌ها و معیارهای چیستی و چگونگی تحقق تمدن از منظر اسلام توجه کرد. تمدن اسلامی در فرازوفروید تاریخی خود با دوره انحطاط روبه‌رو گردیده است. برای برون‌رفت از این چالش تمدنی (انحطاط تمدن اسلامی)، دیگر نمی‌توان با رویکرد توجه و معرفی صرف مظاهر تمدن اسلامی، قدمی مناسب و شایسته جهت بازتولید آن تمدن برداشت و به‌جای آن، باید به این پرسش پرداخت که تجدید تمدن از منظر محتوا و درون‌مایه اسلامی، ضرورتاً نیازمند چه مقدماتی است؟ بی‌تردید در بازشناسی تمدن اسلامی، توجه به خاستگاه و مبانی تمدن اسلامی، نقش اساسی و بنیادین را ایفا می‌کند و عدم آگاهی و توجه به هرکدام از آن اصول و بنیان‌های تمدنی، فهم ما را در جهت‌سازی و جهت‌یابی آینده تمدن اسلامی با مشکل روبه‌رو خواهد کرد.

از منظر دینی، راهبرد اسلام هم در تحقق تاریخ و هم در برون‌رفت از رکود و انحطاط تمدنی به ماهیت دینی و جهان‌بینی اسلامی برمی‌گردد. جهان‌هستی دارای خداوندی یکتا،^۱ مالک^۲ و حکیم^۳ است. از این جهت بیهوده بودن خلقت و هستی بی‌معنا است^۴ و جهان برای هدفی مشخص و ماندگار بنا شده است.^۵ در تحقق این هدف نیازمند وجود مردمانی هستیم که با محوریت دین، روابط اجتماعی و فرهنگی خود را استوار کرده باشند. حضور این مردمان در جغرافیای سیاسی اسلام تحت عنوان «امت اسلامی» قرار گرفته است. جدای از آنکه به این موضوع از نگاه اجتماعی و دینی توجه شده است اما درکنار آن ضرورت توجه به سنت‌های الهی - تاریخی که در کلیت جریان حرکت‌های اجتماعی تأثیرگذار هستند ضرورت بسیار دارد. خصوصاً هنگامی که این موضوع از منظر اسلام مورد توجه قرار گرفته؛ عدم پرداختن به نقش سنت‌های الهی در فعل و انفعالات اجتماعی جهت تحقق تمدن اسلامی مانند میوه درختی است

۱. انبیاء / ۲۲.

۲. آل عمران / ۲۶.

۳. بقره / ۲۰۹.

۴. مؤمنون / ۱۱۵.

۵. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۷۳.

که با وصله و پینه به درختی نیمه‌جان متصل شده و پیوند خورده باشد بدون آنکه ارتباطی درست با ریشه و اساس درخت داشته باشد. نتیجه این رویکرد، آشفتگی فکری و سرخوردگی‌ای خواهد بود که به رکود و انحطاط بیشتر تمدن اسلامی منجر خواهد شد. سنت‌های الهی به‌عنوان عوامل مؤثر در حوزه تحولات تمدنی مورد توجه این پژوهش قرار گرفته‌اند تا از این منظر به آینده تمدن اسلامی نیز توجه شده باشد. از آنجا که آموزه امت اسلامی بر مبنای ماهیات مشترک انسانی و نه نژادی، قومی و ... و بنابر عاملیت سیره سیاسی مسلمانان مطرح شده و به‌عنوان پیش‌فرض مورد توجه قرار گرفته است؛ فرضیه این پژوهش در این بیان شکل گرفته که سنت‌های الهی در مداوله، استخلاف، استبدال و امثال آنها موجب خواهد شد تا به پشتوانه سابقه فکری - فرهنگی و خدماتی که در طول تاریخ و متقابلاً میان اسلام و ایرانیان رخ داده است؛ این جامعه در تداوم تحقق سنت‌های الهی ظرفیت و قابلیت احیا و تجدید حیات تمدنی اسلام را داشته باشد. از این‌رو و برای اثبات این فرضیه، به پاسخ پرسش‌های زیر پرداخته خواهد شد:

الف) جایگاه آموزه امت از نگاه قرآن و سیره چگونه است؟

ب) سنت‌های حاکم بر جامعه و امت‌ها در فرایند تغییرات اجتماعی چه هستند؟

ج) جامعه مد نظر در روایات اسلامی را که ظرفیت و قابلیت دگرگونی، احیاء و تجدید تمدن اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی را دارد، چه کسانی تشکیل می‌دهند؟
د) روند تاریخی و نقش انقلاب اسلامی ایران در تحقق این سنت‌ها در جامعه ایرانی و نیز جامعه جهانی اسلام چگونه بوده است؟

مفاهیم اساسی

فرهنگ:^۱ فرهنگ واژه‌ای پارسی است و ترکیبی از دو جزء «فرا» و «هنگ»^۲ به‌معنای «بیرون کشیدن و یا بالا کشیدن استعدادها و لیاقت‌های ذاتی نهفته در نهاد خرد و جامعه» است.^۳ جامعه و فرهنگ به یک امر مشترک اطلاق نمی‌شوند. جامعه گروهی از افراد است که رسوم، سنن، طرز تلقی‌های مشترک و احساس وحدت؛ ویژگی کنش متقابل اعضای آن می‌باشد و فرهنگ سیمایی است که انسجام اجزاء ترکیبی یک جامعه را حفظ می‌کند. فرهنگ مجموعه‌ای از مفاهیم و بیان نمادین در قلمرو ایده‌ها، آراء، هنر و تجربه افراد در بوته مناسبات اجتماعی است.^۴ این مفاهیم مشترک و تخیلات مشترک رفتار فرهنگی انسان‌ها را می‌سازند.

1. Culture.

۲. «فرا» پیشوندی است به‌معنای بالا و بیرون و «هنگ» نیز از ریشه اوستایی «تنگ» به‌معنای کشیدن گرفته شده است.

۳. آشوری، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، ص ۶۵.

۴. معینی، *نظریه و فرهنگ*، ص ۳ - ۲.

تمدن:^۱ در تعریف تمدن، می‌توان رویکردهای مختلفی در نظر گرفت. «سوروکین» فیلسوف تمدن‌پژوه، تمدن را پدیده‌ای در زندگی اجتماعی بشر می‌داند که در دوران‌های متفاوت، شکل‌های متفاوتی پیدا می‌کند. از نظر او تمدن به لحاظ تاریخی دارای سه ماهیت مادی، معنوی و جامع در حال جریان است و هرآنچه را که فرهنگ است، در بر می‌گیرد.

«فوکوتساوا یوکیچی» تمدن‌پژوه برجسته در کتاب **نظریه تمدن**، تمدن را دارای دو سطح می‌داند: یک سطح مادی و دوم سطح معنوی که زیربنای تحقق تمدن است. سطح دوم را موتور محرک تمدن دانسته که به شکل‌های مادی تمدن صورت می‌دهد. از این رو وی، تمدن را پالایش معرفت و پرورش فضیلت می‌داند به نحوی که زندگی بشر را به مرتبه بالاتر برساند.^۲ به‌طور کلی می‌توان گفت که هر تمدنی برای تحقق نیازمند ایده هدایت‌گر است که به مثابه نقطه کانونی و قلب تمدن است. در بیشتر نظریه‌ها، امور غیرمادی سازنده اصلی این پدیده هستند.^۳

ایران: ایران در پارسی میانه به معنای «سرزمین آریاییان» است.^۴ واژه «آریا» از ریشه «ایر» به معنی «آزاده» و جمع آن «ایران»؛ به معنای «آزادگان» است و آریا در لغت به معنی شریف، اصیل و مولی آمده است.^۵ فردوسی در شاهنامه درباره پسر سوم فریدون (ایرج) می‌گوید:

سران را که بُد هوش و فرهنگ و رای مر او را چه خواندند؟ ایران خدای^۶

ایران در اینجا جمع «ایر» به معنی آزادگان و ایران خدای به معنی پادشاه آزادگان است. نخستین و کهن‌ترین کتیبه که اکنون یافت شده و نام ایران را در بر دارد، اثری از اردشیر بابکان نخستین پادشاه ساسانی (سده سوم میلادی) در نقش رستم است که اردشیر را شاه ایران خطاب کرده است.^۷ ایرانی که امروزه در ذهن‌ها است نام سرزمین وسیعی است که پیش از اسلام نیز نام بومی آن ایران و ایرانشهر بوده است. این نام را باید از مرزبندی‌های جغرافیای سیاسی امروزی که به دلیل تأثیرپذیری و تأثیرگذاری عنصر سیاست، قدرت و سلطه بیگانگان که در این محیط جغرافیایی بوجود آمده، جدا دانست. **ایرانی:** واژه‌ای است که مفهوم آن را باید با ملاحظه در روند کلی هویت و شخصیت تاریخ مردمانی

1. Civilization.

۲. یوکیچی، **نظریه تمدن**، ترجمه چنگیز بهلولان، ص ۱۲۰ - ۱۱۹.

۳. نوروزی فیروز، «تمدن به مثابه سطح تحلیل»، **نقد و نظر**، سال بیستم، ش ۴، ص ۱۲۶ - ۱۰۶.

۴. رضاییان، **هفت رخ فرخ ایران**، ص ۱۷.

۵. دهخدا، **لغت‌نامه دهخدا**، ج ۱، ص ۱۱۰.

۶. فردوسی، **شاهنامه**، ج ۱، ص ۷۰.

۷. سیستانی، **سیمای ایران**، ص ۶۹ - ۶۸.

جستجو کرد که در فلات و سرزمین ایران از دیرباز تا کنون زندگی کرده‌اند. باتوجه به ژئوپلیتیک و موقعیت خاص سرزمین ایران و آنکه در زمان نزول آیات و روایات معصومان (ع)، واژه ایران و ایرانی بر جغرافیای وسیع‌تری نسبت به امروز حمل شده، در این مقاله نیز تلاش شده تا با همان نگاه و بار فرهنگی به واژه ایران و ایرانی توجه شود.

جایگاه آموزه امت در قرآن و سیره نبوی

امت^۱ واژه‌ای با بُرد معنایی بسیار وسیع که جامع مفاهیمی چون مردم،^۲ قوم، قبیله، عشیره، گروه‌های نژادی و نیز ملت یا جامعه‌ای مذهبی که تحت لوای هدایت یک پیامبر قرار دارد،^۳ باشد.^۴ گرچه گفته شده این واژه بار اسلامی دارد، اما با این وصف، در قرآن بر غیر مسلمانان نیز اطلاق شده است.^۵ و از این‌رو، می‌تواند به معنای «شعب» نیز باشد. از این‌رو امت در اندیشه جغرافیای سیاسی اسلام، ابتدا منحصر به

۱. در قرآن کریم ۶۵ بار به صورت مفرد یا جمع آمده است.

۲. مانند آیه ۲۱۳ سوره بقره.

۳. مانند آیه ۱۱۰ آل عمران و آیه ۱۴۳ سوره بقره.

۴. دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۳۹۳۱.

۵. در قرآن از مجموع آیاتی که واژه امت در آنها به کار رفته است، باتوجه به معنای اصلی امت در می‌یابیم که کاربردهای مختلف دارد:

- برای تمام افراد بشر: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ...» (۲۱۳ / بقره)

- برای افراد یک جامعه شهری یا منطقه‌ای و سرزمینی: «كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ...» (۳۰ / رعد)

- برای گروهی از افراد یک جامعه یا امت: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...» (آل عمران / ۱۰۴)؛ «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ...» (۲۳ / قصص)

- برای قبایلی در یک منطقه یا در دل یک امت یا به عبارتی امت‌هایی در یک امت بزرگتر: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ...» (۴۸ / هود)

- برای فردی از افراد یک جامعه: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...» (۱۲۰ / نحل)

- جامعه جنبندگان و جانداران: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ...» (۳۸ / انعام)

- برای نشان دادن یک روش اعتقادی یا دین و شریعت به معنای عام آن: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ...» (۲۲ / زخرف)

- برای ارائه محدوده‌ای از زمان، دوران و حین: «وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ...» (۴۵ / یوسف)؛ «وَلَكِنَّ آخِرَتَنَا عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ...» (هود / ۸)

- برای مخالفان پیامبران: «وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالبَّاطِلِ لِيُذْخِفُوا بِهِ الْحَقَّ...» (۵ / غافر)

از این‌رو در قرآن آیه‌ای نداریم که امت را فقط از لحاظ دینی و اعتقاد توحیدی ملاک قرار داده باشد بلکه امت هم برای مؤمنان به کار رفته و هم برای مخالفان پیامبران (غیر مؤمنان) و حتی به جنبندگان و جانداران غیر انسان نیز امت گفته شده است.

جامعه مسلمانان نبود و غیر مسلمانان را نیز شامل می‌شده است.^۱ به‌مرور زمان این واژه به مفهوم اساسی در تاریخ اسلام تبدیل شد و نظریه امت به معنی ملتی با عناصر قوام‌بخش ارزش‌های آسمانی اسلام، تحت رهبری پیامبر ﷺ و سپس جانشینان آن حضرت اطلاق شد.^۲

آن‌طور که مشخص است در جغرافیای سیاسی این تغییر مبتنی بر گذر زمان و غلبه استعمال امت میان مسلمانان با تعریف مذکور رخ داده است و اگر بخواهیم بر پایه آموزه‌های دینی و قرآنی به این موضوع ورود پیدا نماییم ریشه دینی محکمی برای این تعریف قابل تصور نیست. به تبع در حوزه تمدن و آن هم تمدن اسلامی به‌کارگیری نظریه امت و بدون توجه به معنای واژگانی آن در عصر نزول که همان عصر حضور پیامبر ﷺ به‌عنوان دوره شروع و اساس تمدن اسلامی است و این ادعا که «استعمال واژه و طرح «امت» برای گروهی از انسان‌ها که براساس دین و احکام الهی و رهبری الهی متحد شده و به تشکیل جامعه دینی با اهداف مشترک اقدام کرده‌اند؛ برای نخستین بار در قرآن ارائه شده است»^۳ دقیق و کاربردی نباشد. زیرا با مراجعه به قرآن نقض این سخن آشکار می‌شود. جدای از این و همان‌طور که در ادامه مقاله به‌شکل خاص به این موضوع پرداخته خواهد شد: تمدن را اقلیت خلاق و رهبران نخبه آن جامعه می‌سازند^۴ و در تمدن دینی - اسلامی این اقلیت صفت ایمانی و مؤمن بودن^۵ را باتوجه‌به ذات تمدن اسلامی که تمدنی دینی و مبتنی بر ایمان و اتخاذ سنت پیامبر است باید به‌همراه داشته باشد. از همین‌رو حضرت امام علیه السلام معتقد است که: الگودهی و ساختارسازی جامعه بر عهده اقلیت نخبگان است - که گروه‌های مرجع را تشکیل می‌دهند - عزت و اقتدار جامعه و نیز ذلت و انحطاط آن به دست نخبگان رقم می‌خورد. لذا برای بررسی تحولات اجتماعی و رفتارهای جمعی راه صحیح این است که رفتار نخبگان جامعه مورد بررسی قرار گیرد. اگر نخبگان جامعه‌ای بر صلاح باشند قطعاً عامه مردم نیز بر همان طریق خواهند بود و اگر آنان بر طریق فساد باشند جامعه‌ای که از آنها الگو می‌گیرد رستگار نخواهد شد.^۶ بر این اساس می‌توان مدعی شد که هنوز تمدن آرمانی اسلام و مسلمانان که مبتنی بر سیره و سنت

۱. زارعی، «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام»، *فصلنامه سیاست*، ش ۳، ص ۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۵۷.

۳. عرفان، «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن*

اسلامی، ش ۱۵، ص ۸.

۴. تاملین، *گزیده آثار توین بی*، ترجمه محمدحسین آریا، ص ۱۴.

۵. امیرالمؤمنین در تعریف ایمان می‌فرماید: «الْإِيمَانُ تَصَرُّقٌ بِالْجَنَانِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛ ایمان تصدیق به قلب و اظهار و اعتراف به زبان و عمل به جوارح و اعضاست». (مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۶۶ ص ۷۴)

۶. کنکاشی در مفهوم نخبگان و توده‌ها از منظر امام خمینی، تاریخ مطلب: ۱۳۹۱/۲/۲، http://www.imam_khomeini.ir

نبوی باشد، محقق نشده است. خصوصاً پس از رحلت حضرت رسول ﷺ به مهم‌ترین وصیت ایشان یعنی جانشینی اهل بیت ﷺ - گروه نخبه و مرجع الگودهی تمدنی - توجه نشده است. اینکه امروزه از عنوان تمدن اسلامی استفاده می‌شود جدای از اینکه این عنوان، ساخته دست مستشرقان است تنها به اعتبار این آیه: «قَالَ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ قابل توجیه است که این تمدن صرفاً تمدنی اسلامی است و نه آن تمدنی که مبتنی بر آموزه‌های اصیل قرآن و سنت نبوی بوده باشد.

شواهد سنت‌های تاریخی - اجتماعی از منظر قرآن

سنت در لغت به معنی دوام و استمرار؛^۲ راه و روش^۳ و در اصطلاح به معنای قانون‌های اجتماعی، حقایق همه‌جایی و همیشگی است.^۴ علوم اجتماعی و انسانی تلاش می‌کنند تا با مطالعه رفتار اجتماعی انسان به برخی قانون‌های کلی دست پیدا کنند تا فهم و پیش‌بینی حالت‌های اجتماعی جهت تبیین و کنترل رفتارهای اجتماعی انسان‌ها ممکن گردند. ابن‌خلدون حقیقت تاریخ را گزارش حالت اجتماع انسانی یعنی احوال جوامع، انواع چیرگی‌های برخی مردم بر برخی دیگر و کشف قوانین اجتماعی می‌داند.^۵ کشف قوانین اجتماعی به ما این توانایی را خواهد داد تا براساس این قوانین و نظام حاکم جهان انسانی،^۶ روند حوادث را پیش‌بینی، هدف‌گذاری و کنترل کنیم.^۷ برای این منظور امروزه و در علوم اجتماعی جدید، به انسان، جامعه و جهان‌بینی آنها پرداخته می‌شود. درحالی‌که این علوم براساس مطالعات تجربی و پدیدارشناختی تلاش می‌کنند تا با نگرش انسان‌محوری و درکی انسانی که نسبت به خدا و جهان و انسان دارند، مبانی و سنت‌های اجتماعی را تعریف کنند؛ اندیشمندان مسلمان تلاش می‌کنند تا براساس غنای محتوایی آیات قرآن و سایر متون دینی، قوانین اجتماعی و نظریاتی را بیان نمایند که بر خلاف علوم اجتماعی و براساس تغییر تمایلات انسانی دچار نسبی بودن و موقتی بودن تئوری‌ها، نشوند.

۱. حجرات / ۱۴.

۲. جرجانی، *التعريفات*، ص ۱۲۲.

۳. قرشی بنائی، *قاموس قرآن*، ج ۲، ص ۴۷.

۴. فرمانیان، *فرق تسنن*، ص ۱۸.

۵. ابن‌خلدون، *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، ص ۳۵.

۶. گورویچ و دیگران، *طرح مسائل جامعه‌شناسی امروز*، ص ۱۶.

۷. محمدی عراقی و دیگران، *درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی (۲)*، *مبانی جامعه‌شناسی*، ص ۲۴؛ آقایی، «روش‌شناسی

تفسیر اجتماعی»، *دوفصلنامه قرآن و علم*، ش ۵، ص ۱۸ - ۱۷.

براساس نگرش دینی، سنت، به تدبیر و ساماندهی جامعه توسط خداوند متعال گفته می‌شود که دارای تداوم و تکرار است. این سنت‌ها بیانگر قوانین و احکام حاکم بر پدیده‌های زندگی اجتماعی و روابط میان افراد و گروه‌ها هستند.^۱ به‌طور کلی می‌توان این سنت‌ها را در قالب سنت‌های انتخاب رهبر امت و سنت‌های حاکم بر امت تبیین کرد.

۱. سنت انتخاب حجت و رهبر الهی: از سنت‌های قرآن این است که خدا برای رساندن جامعه به آن غایت مطلوب، ابتدا رهبرانی بر می‌گزیند. در این زمینه آیات فراوانی وجود دارد.

وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا.^۲

و چون ابراهیم را پروردگارش به کارهایی که او را بدان‌ها امر فرمود بیازمود و وی را به انجام آنها موفق ساخت، گفت: من تو را پیشوای مردم قرار خواهم داد.

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ.^۳

ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [او جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.^۴

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ.^۵

و ایشان را پیشوایانی قرار دادیم تا به‌سوی فرمان ما رهبری کنند و انجام کارهای نیک را به آنها وحی کردیم.

حکومت الهی بدون قیام و هدایت یک خلیفه منتخب دینی برای اداره امور ممکن نمی‌شود. دلیل آن هم وقوف و آگاهی خلیفه منتخب الهی به شریعت و امور دینی است. اساساً حکومت به‌عنوان عامل تحقق ثبات اجتماعی و حرکت به‌سوی تمدن است. از این جهت تحقق تمدن اسلامی بدون وجود حکومت و حجت منتخب، تمدن دینی نخواهد بود.

۲. سنت انتخاب امت: و همراه این رهبران در مرحله دوم امتی برگزیده می‌شود.

از سوی دیگر و طبق آیات دیگر قرآن کریم، این خلافت الهی به‌صورت فردی آغاز می‌شود و در

۱. رجبی، *سنت‌های اجتماعی در قرآن*، ص ۷ - ۵.

۲. بقره / ۱۲۴.

۳. ص / ۲۶.

۴. حدید / ۲۵.

۵. انبیاء / ۷۳.

نهایت اراده الهی بر آن است تا به خلافت جمعی ختم شود.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا^۱

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند، همچنان‌که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد. و دینشان را - که خود برایشان پسندیده است - استوار سازد. و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند.

در خلال هدایت رهبر منتخب الهی، جماعتی نشو و نما می‌کنند که به‌سوی تحقق عدالت و تحقق نیکی‌ها قدم برمی‌دارند.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۲

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید.

در توصیف این جماعت که رهبر و پیروان در سیری تکاملی قدم برمی‌دارند، قرآن کریم می‌فرماید:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ^۳

و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید.

سنت‌های حاکم بر جامعه

قرآن کریم پیش از هر منبع آسمانی دیگر، از سنت‌ها یا قوانین ثابت در تفسیر حرکت تاریخ یاد کرده است. «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...»^۴ در این آیات به سنت‌های کلی دینی الهی مندرج در کتاب که مشتمل بر مبانی، ارزش‌ها و احکام برای داوری و تنظیم مناسبات و حل اختلافات میان مردم است اشاره کلی شده است و به بیان مبنا و محور اصلی و ثابت و جاودانه سنن دینی برای تشکیل امت واحده پرداخته است.

۱. سوره نور / ۵۵.

۲. آل عمران / ۱۱۰.

۳. بقره / ۱۴۳.

۴. بقره / ۲۱۳.

از این رو فلسفه بعثت انبیاء بر این موارد استوار بوده است. با این همه، در این بخش هدف بیان تمامی سنن حاکم بر جامعه نیست. بلکه به فراخور موضوع و مسئله سنت‌های مهم استخلاف، استبدال و مداوله مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

سنت استخلاف: به معنای جانشین قرار دادن است. این واژه علاوه بر سنت اجتماعی در فقه (باب نماز و قضا) کاربرد دارد.^۱ به عنوان نمونه می‌توان به بیان این سنت در گفتگوی خداوند و ملائکه و قضاوت آنها در مورد انسان اشاره کرد که خداوند متعال از اراده خود برای خلیفه شدن انسان بر روی زمین صحبت کرده است.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.^۲

و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من می‌خواهم در زمین جانشینی بیافرینم گفتند: در آنجا مخلوقی پدید می‌آوردی که تباهی کنند و خون‌ها بریزند؟ با اینکه ما تو را به پاکی می‌ستائیم و تقدیس می‌گوئیم؟ گفت من چیزها می‌دانم که شما نمی‌دانید.

در این آیه واضح است که مراد از خلیفه فقط حضرت آدم نیست بلکه مراد جنس انسان است که طبق این سنت بر روی زمین مستقر خواهد بود.^۳ همان طور که در سوره حجر به این مطلب پرداخته است:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ.^۴

و یاد کن زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من از گلی خشکیده که آن از گلی سیاه و بدبو و دگرگون شده است بشری خواهم آفرید.

با آنکه این آیات کلیت استخلاف انسان را بیان کرده‌اند اما در آیات دیگر سنتی بیان می‌شود که استخلاف بر استخلاف است. به این معنی که در ابتدا همه انسان‌ها خلیفه خداوند بر روی زمین هستند چون همه آنها حامل امانت الهی هستند:

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.^۵

۱. نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۱۳، ص ۳۶۹ و ج ۴۰، ص ۴۷ و ۶۷ - ۶۵؛ جمعی از پژوهشگران، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، ج ۱، ص ۴۳۲.

۲. بقره / ۳۰.

۳. طباطبایی، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱، ص ۱۷۹ - ۱۷۶.

۴. حجر / ۲۸.

۵. احزاب / ۷۲.

ما آن امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس آنها از تحمل آن امتناع کردند، و ترسیدند، و انسان آن را حمل کرد، چون انسان ستم‌پیشه و جاهل بود.

اما گروهی که به پیمان‌ها وفادار باشند به سروری و رهبری همه آن انسان‌ها خواهند رسید.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ.^۱

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین امت‌های گذشته کند، چنان‌که شایستگان امت‌های پیشین را در زمین جانشین دیگران قرار داد.

سنت استبدال: استبدال به معنای قرار دادن شیی به جای شیی دیگر است^۲ و در اصطلاح اجتماعی عبارت است از تبدیل جامعه‌ای به جامعه دیگر. آموزه‌های قرآنی بیانگر آن است که دین خدا به فرد یا گروهی وابسته و مدیون نیست و اگر گروهی از روی غرور و خودخواهی، دین را رها کنند و چنین پندارند که اگر آنها از دین برگردند، دین خدا از بین می‌رود، باید بدانند خداوند، اقوام دیگری را می‌آورد که آنها به مراتب، قوی‌تر و مؤمن‌تر از ایشان خواهند بود.^۳ چنانچه دین و رهبران الهی را یاری و نصرت نرساند، تمدن و قدرت از آنها سلب و به دست قومی دیگر سپرده می‌شود تا جامعه‌ای وفادار به طاعت و نصرت را شکل دهند. این همان است که از آن به سنت استبدال الهی نام برده می‌شود.^۴

عواملی که در تبدیل جامعه‌ای به جامعه دیگر دخیل هستند، عبارتند از: طرد خلیفه به حق رسول خدا ﷺ که از جانب خداوند منصوب است؛ کوتاهی در جهاد؛ سهل‌انگاری در تطبیق دین در جامعه و رها کردن مبادی و ارزش‌های اخلاقی و انحراف از شریعت دینی. اما جامعه‌ای که جایگزین جامعه قبل می‌شود نیز دارای شرایطی است از آن جمله: تمسک به ولایت خلیفه الهی که به‌عنوان جانشین رسول از جانب خداوند معرفی شده است؛ جهاد در راه خدا؛ سعی و کوشش به‌جهت پیاده کردن اسلام در جامعه.^۵

سنت مداوله: تقویت باور قانونمندی تاریخ از طریق دستیابی به سنت‌های الهی از مهم‌ترین اهداف قرآن کریم در دعوت مسلمانان به جستجوی در تاریخ است که به معنادار ساختن تحولات و رویدادهای

۱. نور / ۵۵.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. جعفری، تفسیر کوثر، ج ۳، ص ۱۸۵.

۴. اراکی، مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۱، ص ۷۸.

۵. رضوانی، قرآن و ظهور حضرت مهدی ﷺ، ص ۲۶ - ۲۵.

اجتماعی و بازشدن دریچه‌ای نو برای فهم اهداف الهی در تربیت جوامع و تمدن انسانی منجر می‌شود. «مداوله» به مفهوم گردش روزگار، یکی از همین قوانین و سنت‌های اجتماعی است که آیات ۱۴۰ و ۱۴۱ سوره آل عمران به صراحت به آن پرداخته‌اند.^۱ طبق بیان این آیات، پیروزی نهایی حق بر باطل و در فرازوفروود حوادث اجتماعی خدشه‌دار نخواهد شد. زیرا رسالت الهی هرگز شکست نخواهد خورد. گرچه شاید برخی از مسلمانان بر اثر سستی و کاهلی شکست خورند، اما خداوند رسالت خویش را توسط قوم و نسل دیگری به سرانجام خواهد رساند.^۲

انعکاس جایگاه ایرانیان در آیات و روایات منطبق با سنت‌های الهی

جامعه ایرانی از مؤثرترین و فعال‌ترین اقوام و ملل مسلمان در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است که خدمات فراوانی توسط بزرگان این قوم جهت ترویج اندیشه‌های اسلامی انجام شده است. پیشینه تاریخی ایرانیان آن‌چنان پررنگ است که کتاب‌های فراوانی جهت معرفی خدمات ایرانیان به اسلام نگاشته شده است و هریک از منظری خاص به این مقوله پرداخته‌اند. اما از منظری دیگر (سنت‌های الهی) می‌توان نقش ایرانیان را باتوجه به آینده جهان و جهان اسلام مورد رصد و توجه قرار داد که بالاخص می‌تواند برای جامعه متدین ایرانی یکی از موضوعات جالب توجه باشد.

از سنت‌های قرآن این است که خدا برای رساندن جامعه به غایت مطلوب، ابتدا رهبرانی برمی‌گزیند و همراه این رهبران و در مرحله دوم امتی برگزیده می‌شوند. در مورد آنها نیز به گواه تاریخ سنت‌هایی الهی حاکم می‌شود. در کنار سنت تخلف‌ناپذیر وجود یک حجت در عالم آفرینش و جهان هستی که مورد پذیرش تمام مسلمین چه شیعه و چه سنی^۳ است، باید امتی نیز همراه او باشد تا هم زمینه اجرای دین و هم گسترش دین را تحقق بخشند. این امت‌ها که همراه رهبران الهی هستند و باید جامعه بشر را به غایت نهایی و مطلوب الهی برسانند؛ امت‌هایی هستند که باید بر دو پیمان پایدار و وفادار و استوار باشند. آن دو پیمان عبارت‌اند از:

اول: پیمان اطاعت و پیروی از دستورات الهی. این پیمان با همه امت انبیاء بسته شده است از جمله با امت پیامبر:

۱. «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلَيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ».

۲. صدر، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ص ۷۹ - ۷۸.

۳. در صحیح مسلم و بخاری داریم که مورد اتفاق مسلمین است: «لَا تَمَّةَ مِنْ قَرِيشٍ مَا بَقِيَ مِنَ النَّاسِ اثْنَانِ». (نیشابوری، *صحیح مسلم*، کتاب اماره، باب ۱؛ بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۲۱۸ و ج ۹، ص ۷۸)

وَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاْتَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.^۱

و نعمت خدا را که بر شما ارزانی داشته و نیز پیمان‌ش که شما را بدان متعهد ساخته آن‌گاه که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم، به یاد داشته باشید و از خدا پروا کنید که خدا به راز سینه‌ها داناست.

دوم: پیمان نصرت است:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.^۲

همانا خدا از مؤمنان، جان و مالشان را در برابر اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است، بدین‌صورت که در راه خدا پیکار کنند و بکشند و کشته شوند. این را خداوند به‌عنوان وعده‌ای راست و درست بر خویش واجب کرده و در تورات و انجیل و قرآن آن را به‌عنوان سند معامله ثبت کرده است. و کیست که به پیمان خویش از خدا وفادارتر باشد؟ پس به این دادوستدی که به آن دست یافته‌اید شادمان باشید، و این است آن سعادت بزرگ.

این همان پیمانی است که حضرت علی علیه السلام آن را در پایان زندگی خود اعلام کردند: «فُرْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ».^۳ یعنی من بر این دو پیمان پایدار بودم.

در قرآن کریم بیان شده که بنی‌اسرائیل پیمان‌شکنی کردند و به همین دلیل، سنت استبدال بر آنها حاکم شد. و بنی‌اسرائیل از عرصه تاریخی سنت‌های الهی یعنی همراهی رهبران الهی، جهت تحقق دین و اهداف رسالت کنار گذاشته شدند: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ...»^۴ پس از آن شایستگان، جانشینانی کتاب آسمانی تورات را به ارث بردند و احکام و معارف آن را دریافت کردند» قرآن در آیات دیگر دلیل این تغییر امت را بیان می‌فرماید: «فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ»^۵ پس به‌سبب اینکه پیمانشان را شکستند و به آیات

۱. مائده / ۷.

۲. توبه / ۱۱۱.

۳. ابن‌قتیبه دینوری، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۸۰؛ ابن‌عبدالبر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۳۷.

۴. اعراف / ۱۶۹.

۵. نساء / ۱۵۵.

خدا کافر شدند و پیامبران را به ناحق کشتند و گفتند: دل‌های ما از دریافت پیام در پرده است. بلکه چنین نیست، الله به‌سزای کفرشان بر دل‌های آنان مهر نهاده است». این مطلب در جای‌جای قرآن کریم تأکید شده است.

ابتدا بنی‌اسرائیل برای یک چنین امر مهمی برگزیده شدند: «وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ»^۱ و قطعاً از روی آگاهی بنی‌اسرائیل را برگزیدیم و بر جهانیان برتری بخشیدیم». ولی در نتیجه پیمان‌شکنی که هم پیمان اطاعت را شکستند و هم پیمان نصرت را، این قوم مشمول قانون استبدال شدند و کنار گذاشته شدند. اما قوم دیگری که آن قوم عبارت بودند از قوم فرزندان اسماعیل و قوم مسلمین که جایگزین قوم بنی‌اسرائیل شدند. در ابتدا نیز از قوم مسلمین، قوم عرب برای این کار برگزیده شد. بدون شک قوم عرب برای تشکیل این قوم مسلمین پیش‌تاز بودند. لذا فرمود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۲ اوست که در میان مردم عرب که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ پیامبری که آیات خدا را بر آنان تلاوت می‌کند و آنان را به‌وسیله کارهای شایسته و اخلاق نیکو رشد می‌دهد و قرآن و معارف آن‌را به ایشان می‌آموزد، و آنان قطعاً پیش از این در گمراهی آشکاری فرو رفته بودند». مشخص است منظور از «امیین»، قوم عرب است.

لکن از آیات قرآن استفاده می‌شود که در پابندی به این میثاق و پیمان، قومی دیگر جایگزین قوم عرب می‌شوند. این سنت الهی است که اگر قومی نقض پیمان کردند سنت استبدال بر آنها حاکم خواهد شد. این تغییر و جایگزینی یک امت بر امت عرب در قرآن کریم و در روایات آمده است. در سومین آیه سوره جمعه و در ادامه تبیین هدف از بعثت انبیاء و رهبران الهی می‌فرماید: «وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». و نیز برای جمعیت دیگری از آن مردم که هنوز به ایشان نپیوسته‌اند آن پیامبر را به رسالت برانگیخت. و خداست که اراده‌اش غالب و کارهایش همه براساس حکمت است». در **صحیح مسلم** از پیامبر اسلام ﷺ روایتی در بیان و تفسیر «وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ» آمده است: «عن أبي هريرة قال كنا جلوسا عند النبي إذا نزلت عليه سورة الجمعة فلما قرأ «وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يَلْحَقُوا بِهِمْ» قال رجل من هؤلاء، يا رسول الله فلم يراجعه النبي حتى سأله مرة أو مرتين أو ثلاثا. قال: وفيما سلمان الفارسي قال: فوضع النبي يده علي سلمان، ثم قال لو كان الايمان عند الثريا لناله رجال من هؤلاء»^۳.

۱. دخان / ۳۲.

۲. جمعه / ۲.

۳. نیشابوری، **صحیح مسلم**، ج ۷: ۱۹۱ - ۱۹۲.

این روایت را هم **صحیح مسلم** در فضل فارس، و هم **صحیح بخاری** در باب تفسیر سوره الجمعة آورده است.^۱ در قرآن پنج آیه است که بنابر تفاسیر، این آیات مخصوص ایرانیان است. و اینها مردمانی دیگری (غیر عرب) هستند که سرانجام به یاری دین خواهند پرداخت و بر پیمان اطاعت و نصرت وفادار خواهند بود. از این رو به یاری این مردم، دین و حاکمیت الهی که به ظهور واقعی تمدن اسلامی منجر می‌شود، برپا خواهد شد.

پنج آیه به این موضوع اشاره کرده‌اند. یکی از آن آیات، آیه سه سوره جمعه بود که بیان شد. آیه دیگر، آیه ۸۹ سوره انعام است که خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ؛ و اگر نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی‌ماند زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند».^۲ **قاموس قرآن** و زمخشری در **کشاف** آورده که: «هم الفرس»^۳ و **تفسیر نور** به نقل از **تفسیر المنار** و **روح المعانی** و سایر مفسران، در تفسیر این آیه آورده‌اند: که منظور ایرانیان هستند. زمخشری در ادامه می‌گوید: و معنی «توکیلهم بها: أنهم وفقوا للإيمان بها والقيام بحقوقها كما يوكل الرجل بالشئ ليقوم به ويتعهد ويحافظ عليه».^۴

آیه دیگر، آیه سی و نه سوره توبه است: «إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ اگر برای جهاد حرکت نکنید، خداوند شما را به عذابی دردناک کیفر می‌دهد و به جای شما مردمی دیگر می‌آورد که فرمان جهاد را نادیده نمی‌انگارند و در آن سستی نمی‌ورزند، و اگر خدا شما را از میان برد هیچ زبانی به او نمی‌رسانید بلکه خود زیانکار خواهید شد که خداوند بر هر کاری تواناست». باز هم در تفسیر آیه: «وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» آمده منظور از این قوم، «قوم الفرس» هستند.^۵

آیه چهارم، آیه سی و هشت سوره محمد است: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ؛ و اگر از ایمان و تقوا روی برتافتید و از انفاق در راه خدا امتناع کردید، خدا مردمی غیر از شما را

۱. حدیثی عبد العزیز بن عبد الله قال حدثني سليمان بن بلال عن ثور عن أبي الغيث عن أبي هريرة رضي الله عنه قال كنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه وسلم فأنزلت عليه سورة الجمعة وآخرين منهم لما يلحقوا بهم قال قلت من هم يا رسول الله فلم يراجع حتى سأل ثلاثا وفيما سلمان الفارسي وضع رسول الله صلى الله عليه وسلم يده على سلمان ثم قال لو كان الإيمان عند الثريا لناله رجال أو رجل من هؤلاء. (بخاری، **صحیح بخاری**، ج ۶ ص ۶۳)

۲. انعام / ۸۹

۳. زمخشری، **الكشاف**، ج ۲، ص ۴۳: قرشی بنائی، **قاموس قرآن**، ج ۴، ص ۲۹۹.

۴. قرائتی، **تفسیر نور**، ج ۷، ص ۵۰۶ - ۵۰۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۴: مجلسی، **بحار الأنوار**، ج ۲۲، ص ۵۲: هاشمی خویی، **منهاج البراعة**، ج ۱۲، ص ۴۶.

جایگزین شما می‌کند، سپس آنان همچون شما نخواهند بود، بلکه ایمان می‌آورند و از اموال خود در راه خدا انفاق می‌کنند». زمخشری در تفسیر این آیه هم می‌گوید: «وسئل رسول الله عن القوم وکان سلمان إلى جنبه، فضرب علي فخذه و قال: هذا و قومه و الذي نفسه بیده لو کان الايمان موطأً بالثريا لتناوله رجال من الفارس».^۱ *المیزان* نیز به نقل از *درر الممشور* همین سخن پیامبر ﷺ را نقل کرده است.^۲

در تفسیر آیه پنجاه و چهار سوره مائده که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» روایات به جایگاه ایرانیان پرداخته‌اند. زمخشری می‌گوید: سئل رسول الله عنهم فسوف يأتي الله بقوم كيست؟ (جالب است که کلمه سوف با فعل مضارع آمده است. که می‌توان نشانه این باشد که در آینده‌های نه خیلی نزدیک این قوم خواهند آمد) وقيل سئل رسول الله عنهم. فضرب يده علي عاتق سلمان و قال: هذا وذووه، ثم قال: لو كان الايمان معلقا بالثريا لناله رجال من أبناء فارس.^۳ فخر رازی هم در تفسیرش می‌گوید: وقال آخرون: هم الفرس لأنه روي أن النبي لما سئل عن هذه الآية ضرب بيده علي عاتق سلمان و قال: هذا وذووه، ثم قال: لو كان الدين معلقا بالثريا لناله رجال من أبناء فارس.^۴

سایر تفاسیر نیز این تفسیر از آیه را نقل کرده‌اند.^۵ تفسیر *نمونه* نیز همین روایت را در بیان این آیه آورده است و در ادامه تأکید کرده که: «شکی نیست که این روایات که در تفسیر آیه وارد شده با هم تضاد ندارد، زیرا این آیه همان طور که سیره قرآن است یک مفهوم کلی و جامع را بیان می‌کند که علی ﷺ یا سلمان فارسی مصداق‌های مهم آن می‌باشند».^۶ باتوجه به تحلیل مقاله نسبت به سنت‌های الهی، این روایات می‌تواند از این جهت مکمل هم باشند که هم سنت انتخاب رهبر الهی و هم سنت امت همراه او را بیان کرده‌اند و این مبحث مهمی است که در آینده تاریخ اسلام و برای بازگشت اسلام و تحقق آن جامعه و آن غایت یعنی تحقق فرهنگ و تمدن واقعی اسلام، نقش ایرانیان، نقش اول است.

۱. زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۵۴۰.

۲. طباطبایی، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱۸، ص ۳۷۷.

۳. زمخشری، *الکشاف*، ج ۱، ص ۶۲۱.

۴. رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۱۲، ص ۱۸.

۵. طبرسی، *تفسیر جوامع الجامع تاریخ*، ج ۲، ص ۸۸: قمی مشهدی، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۱۲، ص ۲۵۳؛

ثقفی تهرانی، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، ج ۲، ص ۲۲۸.

۶. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۴، ص ۴۱۹.

روند تاریخی کنش جامعه ایرانی در تحقق سنت الهی^۱

آن قومی می‌توانند جامعه عدل و حکومت منطبق با ساخت فکری، فرهنگی و تمدنی اسلام را به پا کنند که هم بر پیمان اطاعت و هم بر پیمان نصرت ثابت قدم باشند و فشارها، آنها را از آن پیمان‌ها جدا نکند. جامعه ایرانی با آغاز خیزش و احیاء مجدد فرهنگ اصیل اسلامی در حال گسترش این جریان است. جامعه عرب مسلمان در پیمان با خدا و رسول کوتاهی کرد. آن روزی که علی علیه السلام را تنها گذاشتند. فرمان پیامبر این بود: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲. علی بن ابی‌طالب علیه السلام مسلماً و به اتفاق کل مسلمین ولی امر است. خوب اینجا اطاعت نسبت به ولی مسلمین صورت نگرفت و به تبع نصرت نسبت به حضرت هم صورت نگرفت. همین‌جا بود که شکست پیمان صورت گرفت و پیمان اطاعت و نصرت با رسول اکرم صلی الله علیه و آله شکسته شد، هنگامی که علی علیه السلام و اهل بیت تنها ماندند.

۱. ظهور جریان‌های فعال و متمایل به شیعه امامی در جغرافیای اجتماعی و سرزمینی ایران تا پیش از ظهور سربداران

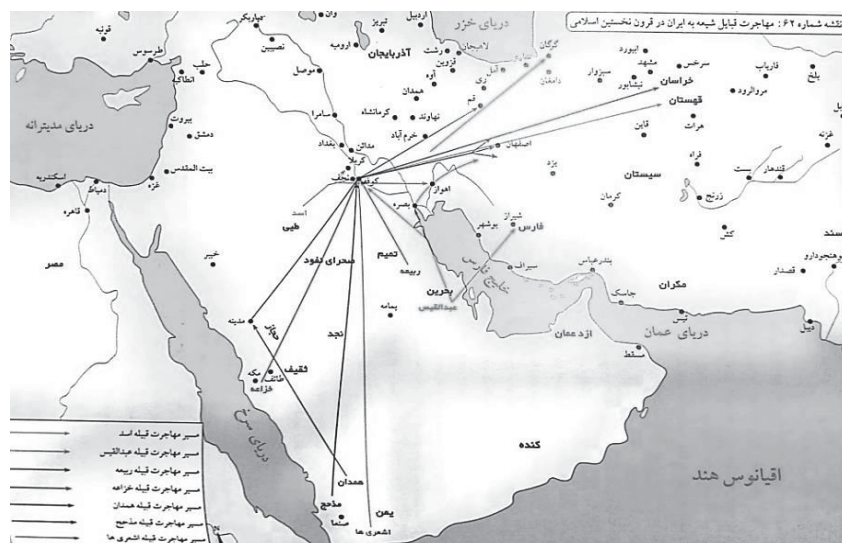
دین اسلام طی بیست و سه سال رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله نخستین بار در ظرف فرهنگ انسانی و اجتماعی قوم عرب ظاهر شد. و تلاش شد تا علاوه بر جنبه‌های تأسیسی با سه معیار امضاء، انکار و اصلاح به مواجهه با موارد و مظاهر فرهنگ بپردازد. با این همه طی مواجهه همه‌جانبه بیست و سه ساله رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرهنگ ریشه‌دار عربی به‌طور کامل محو نگردید اما با مجاهدت‌های سخت و پیگیر آن حضرت و ایمان‌آوردگان راستین، زمینه گسترش و رشد آن برای تأسیس و پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی فراهم گردید.

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرهنگ نوپای اسلامی پس از ظهور و غلبه بر فرهنگ عربی به عاملیت اعراب مسلمان راه به سوی مناطق فرامرزی جزیره‌العرب گشود و به سرعت بر جوامع رایج آن روزگار غلبه سیاسی یافت. قوم ایرانی از جمله نخستین جوامعی بود که اعراب مسلمان پس از خروج از جزیره‌العرب با آنها روبه‌رو گردیدند. بنا به داده‌ها و مستندات تاریخی طی سه قرن نخست هجری مواجهه‌های گوناگونی چون تحقیر و تبعیض (توسط امویان) یا اخذ و اقتباس و استثمار (توسط عباسیان) میان این دو جامعه رخ داد.^۳ با این همه، امامان علیهم السلام به‌عنوان رهبران منتخب الهی، در این دوران جهت حفظ و تثبیت فرهنگ

۱. گرچه می‌توان طبق معیارهای متفاوت، روندهای متفاوتی را مطرح کرد، اما با توجه به آموزه‌های اصیل شیعه امامیه که بر سیره و سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر پیروی از اهل بیت و بر حق بودن راه امامان معصوم علیهم السلام استوار است؛ تلاش شد تا چگونگی ظهور جامعه تمدن‌ساز منطبق بر نگاه امامیه که در روند تاریخی و در نهایت منجر به ظهور انقلاب اسلامی ایران شده است مورد توجه قرار گیرد.

۲. نساء / ۵۹.

۳. یزدانی، بررسی مواجهه فرهنگی امامان شیعه علیهم السلام با فرهنگی ایرانی، ص ۳ و ۸۴.



نقشه کوچ قبائل عرب شیعی به سوی سرزمین ایران^۱

و دلیل دوم: ظهور گروه‌های دوستدار اهل بیت در ایران است. اینان در دو بخش دسته‌بندی می‌شوند. «عالمان و نویسندگان شیعه ایرانی» و «سنیان متشیع ایرانی». این افراد به دلیل علمشان به اشخاصی تأثیرگذار در فرآیند ایجاد امتی ایرانی - شیعی تبدیل گشتند. به عنوان نمونه از افراد گروه اول می‌توان به: ابوسلیمان یحیی بن یعمر عدوانی^۲، شاگرد ابوالاسود دؤلی، متولد اهواز و ساکن بصره که اصالتاً ایرانی و شیعه بود، اشاره کرد. گرچه جنس تشیع او مشخص نیست اما در مورد او گفته شده: او نخستین شخص یا بهتر بگوییم جزء نخستین افرادی بود که قرآن را نقطه‌گذاری کرده‌اند.^۳

از افراد گروه دوم نیز می‌توان به حاکم نیشابوری^۴ اشاره کرد. او قاضی نیشابور و از بزرگان حدیث بود. سید حسن صدر او را پدیدآورنده علم «درایه» دانسته است.^۵ این شخص از جمله افراد سنی متشیع است که به امام علی علیه السلام و خاندان پیامبر (علویان) علاقه نشان می‌داده است. او از روی علاقه به امام رضا علیه السلام کتابی با عنوان *مفاخر الرضا* تألیف کرد.^۶ بسیاری از روایات در فضیلت اهل بیت علیهم السلام از طریق حاکم نیشابوری

۱. جعفریان، *اطلس شیعه*، نقشه ۶۲.

۲. او شاگرد امام سجاد نیز بوده است. (سامانی، *مناسبات اهل بیت با ایرانیان*، ص ۳۴۳)

۳. محسن امین، *أعیان الشیعه*، ج ۱، ص ۱۳۰.

۴. ابو عبدالله محمد بن عبدالله مشهور به حاکم نیشابوری و متوفی ۴۰۵ ق. (مصطفی چلبی و حاجی خلیفه، *تقویم التواریخ*، ص ۳۱۷)

۵. البته این نظر با وجود کتاب «قاضی ابومحمد رامهرمی» (۳۶۰ ق) نگارنده کتاب *المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی* رد شده است. (صدر، *تأسیس الشیعه*، ص ۲۹۴؛ www.library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/145579/1)

۶. جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، ج ۱، ص ۳۸۷.

به ما رسیده است.^۱

از این رو حتی در دوره‌هایی که شیعه مذهب غالب سرزمین ایران نبوده است، اما علاقه و گرایش اجتماعی ایرانیان به اهل بیت علیهم‌السلام باعث شده تا از ایرانیان به عنوان «سنیان متشیع» نام برده شود^۲ که خود نشانه مهمی از اعتدال مذهبی و علاقه جامعه نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام است.

در کنار این موارد می‌توان به حضور اشعریون در قم و علویان زیدی مذهب در طبرستان و آل بویه اشاره کرد که تلاش‌های آنها زمینه را برای پذیرش و گسترش مذهب حقه اثنی‌عشری و فرهنگ مبتنی بر آن، فراهم آورد.

آذربایجان	3	کرمان	7
ابهر	5	سیرجان	2
اردبیل	2	جیرفت	2
اهواز	35	شیراز	23
ارجان	8	فارس	6
اصفهان	33	فسا	5
بروجرد	4	یزد	2
تستر	2	همدان	11
جندی‌شاپور	2	طالقان	2
گیلان	4	طیس	2
چرخان	32	طوس	6
خراسان	15	سمرقند	15
دیلم	6	سجستان	3
رامهرمز	3	قزوین	27
راوند	3	قم	23
ری	66	کازرون	2
رویان	2	نیشابور	21
سابور	3	ورامین	3
مرو	8	چالوس	14
		طبرستان	76

مهاجران علوی تا قرن ۵ به نقل از کتاب «منتقلة الطالبية»^۳

۲. ظهور سرمداران و آغاز فرایند تثبیت فکری - فرهنگی شیعه امامی تا انقلاب اسلامی ایران
در کنار تلاش‌های علمای شیعه امامی برای زنده نگه داشتن این مذهب؛ ایجاد حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل شیعی، جهت تداوم و تثبیت این فرهنگ مؤثر بوده است. شاخه شیخیان سرمداران خراسان، جریانی بود که تحت تعالیم شیعه دوازده امامی، برای رفع ظلم و جور و گسترش عدل و عدالت حرکت خود را آغاز کرد.^۴ از این رو و باتوجه به علائق شیعی رهبران این جریان، سبزوار که شهری با اکثریت شیعه بود را

۱. برخی از این روایات را نگاه کنید: www.sonnat.net/article.asp?id=4260&cat=109

۲. جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، ج ۱، ص ۳۸۵.

۳. همان، ص ۱۵۶.

۴. مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۳۶۹.

مرکز حکومت خود قرار دادند^۱ و در این جهت دست به تحرکاتی همچون دعوت از علمای شیعی برای حضور در حکومت سربداران، انتشار کتاب‌های مرتبط با مذهب شیعه، تشویق شاعران شیعی و پشتیبانی از قیام‌ها و شورش‌هایی زدند که رنگ‌وبوی شیعی داشته یا همسو با آرمان‌ها و اهداف سربداران بودند.^۲

این کار تا آنجا هدفمند بود که خواجه علی بن مؤید آخرین حاکم سربداری، سادات را بر علما ترجیح می‌داد.^۳ سربداران برای اهدافی که داشتند تلاش کردند تا برخی از علماء شیعه را به سبزوار بیاورند.^۴ علی بن مؤید در نامه‌ای با ادای احترام نسبت به شهید اول از او خواست تا به خراسان بیاید، اما او نپذیرفت و در جواب کتاب *لمعه دمشقیه* را برای سربداران نوشت.^۵

با ظهور صفویه فرآیند قدرت یافتن، تثبیت فکر شیعه و ایجاد اولین ساختار تمدن شیعی امامی یعنی شکل‌گیری کلان حکومت شیعه امامی به‌وقوع پیوست و توانست سطح وسیعی از جغرافیای سیاسی - اجتماعی شرق جهان اسلام را تحت پوشش قرار دهد. رسمیت مذهب تشیع در دوره صفوی و تأثیرات عمیق این مذهب در باورها و اعتقادات ایرانیان، موجب شد تا اشعار، ادعیه، و نقوش نمادین در وصف ائمه بر روی مسکوکات منعکس گردد.^۶ این رویه تا انقلاب ایران در بسیاری از عرصه‌ها همچون گسترش و توسعه مراکز مذهبی و قدرت یافتن حاکمیت معنوی علماء همچون میرزای شیرازی، آیت‌الله بروجردی، حضرت امام خمینی و ... ادامه پیدا کرد. حتی دوره کوتاه ظهور افشاریه به‌دلیل سیاست نادرشاه در ایجاد آزادی دینی و هم‌گرایی میان اقلیت‌های مذهبی^۷ نه‌تنها مانعی در کلیت این فرایند ایجاد نکرد بلکه اجازه بازسازی و همفکری بیشتر میان اقلیت‌ها و اکثریت شیعیان را فراهم نمود.

۳. گسترش فرهنگ اصیل اسلامی و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن اسلامی با انقلاب اسلامی و ظهور ظرفیت‌های جدید جهت حضور و فعالیت جامعه (امت معهود)

با ظهور انقلاب اسلامی در ایران که مبتنی بر تعالیم راستین اسلام و برآمده از مکتب اهل بیت (ع) بود و بنا شدن آن برپایه خواست مردم، گفتمان تمدنی ایرانی - اسلامی در قالب تحقق تمدن نوین اسلامی مطرح

۱. آژند، *قیام سربداران*، ص ۳۲.

۲. پرهیزکاری، «نقش دولت شیعی سربداران خراسان در گسترش تشیع و تمدن اسلامی»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۱۳، ص ۳۳.

۳. آژند، *قیام سربداران*، ص ۶۴.

۴. پطروشفسکی، *نهضت سربداران خراسان*، ص ۹۹.

۵. میرخواند، *تاریخ روضة الصفا*، ص ۴۵۱۶.

۶. فیضی، «تأثیر باورها و آموزه‌های شیعی بر تزئینات سکه‌های دوره صفوی»، *جندی شاپور*، ش ۸، ص ۱۳.

۷. جوادی‌نیا و شیخ‌نوری، «همگرایی نادرشاه افشار با اقلیت‌های مذهبی»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام*، ش ۲۴، ص ۱۴۰.

شد و این جریان عظیم سیاسی - اجتماعی در عمل به احیاگر فرهنگ و تمدن اسلامی تبدیل گردید. این جریان با توجه به ویژگی‌هایی که از خود و در طول مراحل انقلاب جلوه گر کرد؛ نشان داد که می‌تواند نشانه‌ای از فرآیند تحقق وعده الهی و تحقق سنت‌های الهی باشد. این روند، تغییرات و تحولاتی بنیادین در فعالیت‌ها، کنش‌ها، ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ارزش‌ها و باورها حاکم بر جامعه و رهبران ایران به وجود آورد که آن‌را در زمره انقلاب‌های بزرگ قرار داد.^۱

انقلاب و تغییرات فرهنگی حاصل از آن، گفتمانی اسلامی با ماهیت و هویت فراملی را به وجود آورد. انقلاب فراملی برخلاف انقلاب ملی، دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که به یک ملت تعلق ندارد و نه تنها از مرزهای جغرافیایی ملی فراتر می‌رود بلکه مورد استقبال سایر جوامع واقع می‌شود. دلیل آن این است که گفتمان جامعه متدین ایرانی که گفتمان انقلاب آنها نیز است، بر پایه اسلام واقعی و برپایه بیان و تبیین اهل بیت علیهم‌السلام بنیان نهاده شده که یک مکتب و جهان‌بینی جهان‌شمول و نامحدود اجتماعی را شامل است. این گفتمان بر اصول انسانی و فطری استوار شده که به همه ابعاد بشری توجه کرده است. (همان، همان‌جا) از این رو موجب الهام بخشی جوامع دیگر شده و از این جهت توانسته چشم‌انداز و افق فرهنگی خود را در سطح منطقه و جهان معرفی و گسترش دهد. رعایت همه آنچه که موجب پیشرفت سریع‌تر می‌شود یعنی معنویت، عقلانیت، علم‌گرایی، توجه به جایگاه معلم و ارزش علم، - بدون حذف یکی از آنها - می‌تواند سرعت پیش‌روندگی انقلاب اسلامی در احیاء تمدن اسلامی را بیشتر نماید و زمان را برای تحقق وعده‌های الهی و تحقق سنت‌ها نزدیک‌تر نماید.

نتیجه

تاریخ و پیشینه هزاران ساله تمدنی ایرانیان و نقش فعال و گسترده آنان در ساخت و گسترش تمدن اسلامی این سؤال را طرح می‌کند که در تداوم فرایند حضور و پویایی جامعه ایرانی، آنان چه نقش و جایگاهی در ساخت آینده تمدن و خصوصاً تمدن اسلامی خواهند داشت. با ظهور انقلاب مبتنی بر اسلام در ایران و شکل‌گیری حکومت دینی برآمده از تحولات اجتماعی؛ گفتمان تمدنی ایرانی و اسلامی در قالب توجه به ظهور تمدنی نوین که برخاسته از آموزه‌های اسلامی با قرائت شیعی و در ظرف فرهنگ و تمدن ایرانی باشد، مورد توجه قرار گرفت و انقلاب اسلامی ایران، در عمل به پرچمدار و احیاگر فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی تبدیل گردیده است.

جدای از آنکه می‌توان تمدن و آینده تمدنی را از منظر تاریخی مورد پژوهش قرار داد، می‌توان این بحث

۱. خواجه سروی، مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی (با تأکید بر نقش عقلانیت، معنویت و علم‌گرایی)، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ص ۱۰.

را از منظر محتوای دینی و خصوصاً آیات و روایات مورد توجه قرار داد. خصوصاً آنکه قرآن، مسلمانان را به جستجو و تفکر در سرگذشت پیشینیان فراخوانده است، که از مهم‌ترین مؤلفه‌های انگیزشی جامعه ایمانی برای توجه به قانونمندی تاریخ و تقویت باور به آن از طریق دستیابی به سنت‌های الهی است که به فهم و معنادار ساختن رویدادها و کنش‌های اجتماعی و دریچه‌ای نو برای درک بهتر و صحیح‌تر اهداف الهی در چگونگی تربیت جوامع از یک سو و از سوی دیگر به شناخت بهتر فرازوفروود و آینده تمدن‌های انسانی، منجر می‌شود. آیات نورانی قرآن کریم و روایات مفسر آنها که از معصومین علیهم‌السلام به‌دست ما رسیده است و سند و بیان آنها هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت آمده است، ما را به این نکته توجه می‌دهد که در کنار سنت انتخاب رهبری الهی، سنت انتخاب امت و سایر سنت‌های الهی: همچون «استخلاف»، «استبدال» و «مداوله» که نمونه‌های تاریخی آن، هم در قرآن و هم در کتاب‌های تاریخی و تاریخ ادیان آمده است؛ مردمانی که بر پیمان‌های الهی همچون پیمان‌های اطاعت و نصرت باقی نمانند، قانون الهی و سنت او بر این است که جهت نصرت دین خود، مردمانی دیگر را جایگزین آنها نماید. اهل حجاز با نادیده گرفتن دستورات الهی و توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عمل به محتوای دین، حفظ شأن و جایگاه اهل بیت و غصب خلافت از سوی ناهلان، زمینه تغییر امت معهود را فراهم کردند تا طبق سنت الهی مردمانی دیگر جایگزین آنها برای نصرت دین شوند. طبق همین سنت‌ها و آنچه از روایات در تفسیر آنها وارد شده، ایرانیان امتی هستند که در آینده به یاری دین الهی و تحقق آرمان‌های آن خواهند پرداخت.

روند رویدادهای تاریخی نیز می‌تواند مؤید این تحولات باشد زیرا این ایرانیان بودند که در تاریخ پس از اسلام، هم از جهت جغرافیای سرزمینی و هم از حیث حضور و کوچ شیعیان، همواره پذیرای جریان اصیل سیره و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند که در اندیشه امامان علیهم‌السلام تبلور پیدا می‌کرده است. باتوجه‌به اینکه تحقق فرهنگ و اندیشه مطلوب در یک جامعه امری زمان‌بر است، جامعه ایرانی که تا پیش از صفویه علی‌رغم گسترش مذاهب سنی، به شیعه و امامان اثنی‌عشری علاقه ویژه داشتند، پس از حرکت سرداران و حاکمیت صفویان به جریان شیعه امامی رسمیت دادند. این روند تاریخی در فرایند ظهور و تثبیت به ایجاد پایگاه اجتماعی برای عالمان شیعه منتهی گردید و زمینه انقلاب اسلامی ایران را فراهم کرد و پس از انقلاب، گفتمان جدی و فعال برای تحقق تمدن واقعی اسلامی که بر پایه و اساس فرهنگ اصیل اسلامی و تلاش امت منتخب (ایرانیان) باشد، وارد عرصه جدیدی شد که با گذشت هرچه بیشتر زمان، افق‌های بیشتری از تأثیرگذاری آن در آینده تمدن بشری، نمایان خواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. آژند، یعقوب، *قیام سربداران*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵ ش.
۳. آشوری، داریوش، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، آگاه، ۱۳۸۰ ش.
۴. آقایی، محمدرضا، «روش‌شناسی تفسیر اجتماعی»، *دو فصلنامه قرآن و علم*، ش ۵، ۱۳۸۸ ش.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۸، ۱۳۷۵ ش.
۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق البجاوی، علی محمد، بیروت، دار الجیل، چ ۱، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، *الامامة والسیاسة*، تحقیق علی شیر، بیروت، دارالأضواء، چ ۱، ۱۴۱۰ ق.
۸. اراکی، محسن، *مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، قم، آینده روشن، ۱۳۹۳ ش.
۹. امین، محسن، *أعیان الشیعة*، تحقیق حسن الامین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، جمهوری مصر العربیة، وزارة الاوقاف، لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. پرهیزکاری، سید روح‌الله، «نقش دولت شیعی سربداران خراسان در گسترش تشیع و تمدن اسلامی»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۱۳، ص ۵۰-۳۱، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. پطروشفسکی، ای. پ، *نهضت سربداران خراسان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۱ ش.
۱۳. تاملین، فردریک، *گزیده آثار توین بی*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. تقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، ۵ جلد، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ق.
۱۵. جرجانی، محمد ابن علی، *کتاب التعریفات*، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۳ ق - ۱۹۸۳ م.
۱۶. جعفری، یعقوب، *تفسیر کوثر*، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. جعفریان، رسول، *اطلس شیعه*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران، علم، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)*، تهران، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۲۰. جوادینیا، حسن، محمدامیر شیخ‌نوری، «همگرایی نادرشاه افشار با اقلیت‌های مذهبی»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام*، سال ششم، ش ۲۴، ص ۱۴۴-۱۲۳، زمستان ۱۳۹۵ ش.

۲۱. چلبی، مصطفی و حاجی خلیفه، *تقویم التواریخ*، مترجم ناشناخته، تهران، احیاء الکتاب، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. خواجه سروی، غلامرضا؛ محمدجواد فتحی و محمد اسفندیاری، «مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی (با تأکید بر نقش عقلانیت، معنویت و علم‌گرایی)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ش ۱۱، ص ۳۴ - ۱، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۲۳. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ خ.
۲۴. رازی، حسین بن علی، *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵ ش.
۲۵. رجبی، محمود، «سنت‌های اجتماعی در قرآن؛ ویژگی‌ها و مبادی و روش کشف سنت‌ها»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال دوم، ش ۵، ص ۲۲ - ۵، زمستان ۱۳۸۲ ش.
۲۶. رضاییان، فرزین، *هفت رخ فروخ ایران*، ایبانه، دایره سبز، ۱۳۸۶.
۲۷. رضوانی، علی‌اصغر، *قرآن و ظهور حضرت مهدی (عج)*، قم، جمکران، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، لبنان - بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. سامانی، محمود، *مناسبات اهل بیت با ایرانیان*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۳۰. سخاوی، شمس‌الدین، *التحفة اللطیفة فی تاریخ المدینة*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. سیستانی، ایرج افشار، *سیمای ایران*، تهران، آقاییگ، چ ۲، ۱۳۷۲ ش.
۳۲. صدر، حسن، *تأسیس الشیعة*، تهران، منشورات اعلمی، ۱۳۷۶ ش.
۳۳. صدر، محمدباقر، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ترجمه حسین منوچهری، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۳۴. طباطبایی، محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع تاریخ*، ۶ جلد، ترجمه اکبر غفری، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۳۶. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، ۳۰ ج، لبنان - بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۳۷. عرفان، امیرمحسن، «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازانندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۱۵، ص ۳۰ - ۷، ۱۳۹۳ ش.
۳۸. فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، با همکاری انتشارات فرانکلین، چ ۲، ۱۳۵۳ ش.
۳۹. فرمانیان، مهدی، *فرق تسنن*، قم، ادیان، چ ۱، ۱۳۸۶ ش.

۴۰. فیروزآبادی، محمد، *المغانم المطابه*، (د. ۸۱۷ ق.)، المدینه، مرکز بحوث و دراسات المدینه، ۱۴۲۳ ق.
۴۱. فیضی، فرزاد، «تأثیر باورها و آموزه‌های شیعی بر تزئینات سکه‌های دوره صفوی»، *جندی‌شاپور*، سال دوم، ش ۸، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۴۲. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۴۳. قرشی بنائی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۴۴. قمی مشهدی، محمد، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ۱۴ جلد، محقق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۴۵. گوریچ، ژرژ و دیگران، *طرح مسائل جامعه‌شناسی امروز*، مشهد، بی‌نا، ۱۳۴۷ ش.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، تهران، اسلامیه، مکرر، ج ۶۶.
۴۸. محمدی عراقی، محمود و دیگران، *درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی (۲)*، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۳، ۱۳۸۸ ش.
۴۹. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
۵۰. معینی، جهانگیر، *نظریه و فرهنگ*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۴ ش.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۴ ق.
۵۲. موسوی بجنوردی، محمد کاظم، *دانشنامه بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۵۳. میرخواند، محمد بن خاوندشاه، *تاریخ روضه الصفی*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ ش.
۵۴. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، محقق محمود القوچانی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
۵۵. نوروزی فیروز، رسول، «تمدن به مثابه سطح تحلیل»، *نقد و نظر*، سال بیستم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۵۶. نیشابوری، مسلم، *صحیح مسلم*، محقق هاشم احمد عمر، بیروت، لبنان، ۱۴۰۷ ق.
۵۷. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، ۲۱ جلد، ترجمه حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تصحیح ابراهیم میانجی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ ق.
۵۸. یزدانی، علی، *بررسی مواجهه فرهنگی امامان شیعه با فرهنگی ایرانی*، پایان‌نامه، راهنما دکتر علی بیات، ۱۳۹۵ ش.
۵۹. یوکیچی، فوکوتساوا، *نظریه تمدن*، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گویو، ۱۳۷۹ ش.